

پیراهنِ پَر
پگاه ایرچی



فهرست

| | |
|----|----------------------------|
| ۷ | مُرده |
| ۱۷ | جو دیت |
| ۲۷ | پیراهن پَر |
| ۴۳ | دسته گُل |
| ۵۷ | در حال رفتن |
| ۶۹ | عزیزم، به من بگو تغییر کن! |
| ۷۹ | امتیاز |

مگر می شود قرار گذاشت و سرِ قرار نرفت؟ حالا چه فرق می کند که این قرار با کی باشد. حتی با یک مُرده. مهین به ساعتش دوباره نگاه کرد.

مُرده زنگ زده بود. ساعتِ چهار و نیم سه روز پیش، و روی پیغام گیر، برای ساعتِ چهار و نیم دوشنبه قرار گذاشته بود. کنار دیوارِ مسیل. مهین همه را صدا کرده بود. با هم به پیغام گوش کرده بودند. هر سه تایشان با هم.

مُرده گفته بود که دو روز است آمده و سه هفته بیشتر نمی ماند و دوست دارد آنها را ببیند. دوباره گوش کردند. صدای مرده بود. فرزانه تاریخ و ساعتِ پیغام را چند بار نگاه کرد. منوچهر به فاصله یک صندلی کنارِ تلفن ایستاده بود و بعد همه یک دفعه پراکنده شدند.

منوچهر نشست روی راحتیِ قهوه ای و صدای اخبارِ ماهواره را بلند کرد. مهین رفت تو آشپزخانه و خودش را با آلبالوهایِ توی جعبه